

Designing a pattern for the development of communication literacy in elementary school students

***By: Marjan Moghimy Tahuneh M.A.*,
Mansoor Dehghan Manshadi Ph.D.[✉]***

Abstract:

The aim of this study was to design a model for the development of communication literacy in elementary school students. To present this model and obtain data, a qualitative method of grounded theory based on the Strauss and Corbin approach was used. The research population consisted of specialists in the fields of educational sciences, psychology, and child counseling who had been working in the field of children for some time and were familiar with elementary schools. Among them, 20 people were selected as theoretical sampling to conduct in-depth, informal, and semi-structured interviews. The validation of the findings was examined and evaluated in several stages by carefully selecting the questions and conducting three pilot interviews with experts, specialists, and those proficient in qualitative research. Three stages of coding, "open, axial and selective", were used to analyze the data, the results of which indicate 965 primary concepts, 48 subcategories and 18 main categories. Accordingly, the results, within the framework of the paradigm model, include causal factors in four categories: "intrapersonal, interpersonal, organizational, and family factors," which act as the foundations for creating and strengthening communication literacy. These factors are the main preconditions and drivers for the formation of communication capabilities in students. The background conditions, "awareness, skill development, opportunity for interaction and organizational connections", play a facilitating role and provide an environment in which causal factors can exert their influence more effectively. Also, the strategies, which have been identified in three categories of "educational, organizational, and social," represent targeted responses and actions against the main phenomenon. Environmental conditions fall into five categories: "social, cultural, economic, political, and environmental environment" and, as a macro and peripheral context, affect all components of the model. Finally, the outcomes in the two categories of "individual and social development" and "community development" represent the final results of the communication literacy development process, which extend from improving individual communication skills to improving the social and cultural capital of society. Therefore, the relationship between these categories is chained and interactive; in such a way that causal factors, having an effect in the context of contextual and environmental conditions, lead to the growth of communication literacy through educational, organizational, and social strategies, and ultimately, this growth ends in individual, social, and community development.

Keywords: *communication literacy, development, students, elementary school, grounded theory*

* Master of educational technology, Yazd University, Yazd, Iran Email: marjanmoghimy3637@gmail.com

✉ Assistant of Prof. in Department of Educational Administration, Farhangian University, Tehran, Iran
Email: mansoor.dehghan@cfu.ac.ir

طراحی الگوی رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی

مرجان مقیمی طاحونه^{*}، منصور دهقان منشادی[✉]

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی بود که برای ارائه این الگو از روش کیفی نظریه برخاسته از داده‌ها یا داده بنیاد، مبتنی بر رویکرد استراوس و کوربین استفاده شد. جامعه پژوهش از متخصصان رشته علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره کودک بودند که مدتی در زمینه کودک فعالیت داشته و آشنا به مدارس ابتدایی بوده‌اند. در این میان ۲۰ نفر از آنها به صورت نمونه‌گیری نظری برای انجام مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختار یافته، انتخاب شدند. اعتبارسنجی یافته‌ها از طریق انجام سه مصاحبه به صورت آزمایشی و با بهره‌گیری از افرادی خبره، متخصص و مسلط به پژوهش‌های کیفی در چند مرحله بررسی و ارزیابی شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدگذاری «باز، محوری و گزینشی» استفاده شد که نتایج حاصل از آن، بیانگر ۹۶۵ مفهوم اولیه، ۲۸ مقوله فرعی و ۱۸ مقوله اصلی است. بر این اساس نتایج، در چهار چوب مدل پارادایمی شامل عوامل علی در چهار مقوله «عوامل درون فردی، میان فردی، سازمانی و خانواده» هستند که به‌منزله بنیان‌های ایجاد و تقویت سواد ارتباطی عمل می‌کنند. این عوامل، پیش‌شرط‌ها و محرک‌های اصلی شکل‌گیری قابلیت‌های ارتباطی در دانش آموزانند. شرایط زمینه‌ای شامل «آگاهی، پرورش مهارت‌ها، فرصت تعامل و ارتباطات سازمانی»، نقش تسهیل‌کننده دارند و محیطی را فراهم می‌کنند که در آن عوامل علی بتوانند تأثیر خود را به‌صورت اثربخش‌تری اعمال کنند. همچنین راهبردها که در سه دسته «آموزشی، سازمانی و اجتماعی» شناسایی شده‌اند، نشان‌دهنده واکنش‌ها و اقدامات هدفمند در برابر پدیده اصلی‌اند. شرایط محیطی در پنج مقوله «محیط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی» جای دارند و به‌مانند بستر کلان و پیرامونی بر همه اجزای مدل اثرگذارند. در نهایت، پیامدها در دو مقوله «توسعه فردی و اجتماعی» و «توسعه جامعه» نمایانگر نتایج نهایی فرآیند رشد سواد ارتباطی هستند که از ارتقای مهارت‌های ارتباطی فردی تا ارتقای سرمایه اجتماعی و فرهنگی جامعه امتداد می‌یابند. بنابراین رابطه میان این مقوله‌ها زنجیره‌ای و تعاملی است؛ به این صورت که عوامل علی در بستر شرایط زمینه‌ای و محیطی اثرگذار شده، از طریق راهبردهای آموزشی، سازمانی و اجتماعی به رشد سواد ارتباطی منجر می‌شوند و در نهایت، این رشد به توسعه فردی، اجتماعی و توسعه جامعه ختم می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: سواد ارتباطی، دانش آموزان، دوره ابتدایی، رشد، نظریه داده بنیاد

مقدمه

امروزه در اغلب جوامع، انسان‌ها برای برقراری ارتباط مؤثر با خود، دیگران، سایر موجودات زنده و غیرجاندار به سوادى به‌نام سواد ارتباطی نیاز دارند. سواد ارتباطی به‌عنوان یکی از سوادهای ضروری، در تعریف یونسکو^۱، (۲۰۲۰) به‌عنوان توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران و دانستن آداب اجتماعی مطرح شده است. در حقیقت ارتباط چیزی بیش از گفت‌و شنود یا مکاتبات در جریان زندگی روزمره است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹). سواد ارتباطی شامل همه توانایی‌های اختصاصی و مشخص شده است و در واقع مهم‌تر و معمول‌تر از توانایی‌های خاص است. برقراری یک ارتباط سالم، اجزایی همچون فرستنده پیغام، کانال، گیرنده، بازخورد و صدا را تشکیل می‌دهد (باندورا^۲، ۲۰۱۶). پژوهشگران در نتایج پژوهشی خود، درباره مؤلفه‌ها و ابعاد سواد ارتباطی نشان دادند که هیچ یک از مواردی مانند سواد رسانه، سواد رایانه یا سواد خواندن و نوشتن و موارد مشابه دیگر، معادل سواد ارتباطی نیستند؛ بلکه به عنوان زیر مجموعه و جزئی از این مفهوم گسترده قرار می‌گیرند. سواد ارتباطی توانایی‌های گسترده‌ای را در بر دارد و همانند چتری اغلب سوادهای مطرح شده در سالیان اخیر را پوشش می‌دهد. در اینجاست که باید گفت آشنایی و بهبود سواد ارتباطی، به بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی و افزایش احتمال موفقیت در کارها منجر خواهد شد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹). سواد ارتباطی سه مؤلفه اصلی، ارتباط مبتنی بر حواس، ارتباط تخصصی و سطوح ارتباط دارد. این مؤلفه‌ها به مهارت، توانایی یا سواد در حوزه‌ای مشخص برای کارآمدی ارتباط اشاره دارند (قاسمی و راسخ، ۱۳۹۸). به‌طوری که افراد برای برقراری ارتباط بهینه در هر یک از این ابعاد، به تربیت و آموزش نیاز دارند. (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹)

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در جهان امروز، برقراری ارتباط است. بشر نیازمند به سواد و آموزش ارتباطی است که بتواند به طور مؤثر با خود، انسان‌های دیگر، سایر موجودات زنده یا حتی موجودات فراجسمی، ارتباط برقرار کند. در بسیاری از مطالعات و بررسی‌ها نشان داده شده است که ضعف بشر در برقراری ارتباط مؤثر با خود و دیگران گسترده است. بسیاری از افراد قادر به استفاده از ساده‌ترین فعالیت‌های ارتباطی نیستند. جنگ‌های بسیار، سقوط نژاد و قبیله‌ها یا حتی تنزل درجه محیطی، اغلب به دلیل نداشتن سواد لازم در برقراری

1. UNESCO
2. Bandura

ارتباط میان سطوح گسترده‌های از اجتماعات بشری رخ داده است (وفایی نجار و همکاران، ۲۰۱۷). برخورداری از سواد ارتباطی و مهارت‌های برقراری ارتباط می‌تواند به انسان‌ها کمک کند تا رسیدن به گشایش دوام بیاورند. حال سؤال این است؛ آیا نظام آموزشی ما تغییری در دانش‌آموزان به اندازه کافی ایجاد کرده است تا بتوانند با شرایط فعلی سازگار شوند و یا به عبارتی با وضعیت موجود سازش دارند؟ (درستی و همکاران، ۱۴۰۱). برای پاسخ به اینگونه سوالات و مدیریت بهتر ارتباطات در برابر مسائل و مشکلاتی که از فقدان سواد ارتباطی بوجود می‌آید و با توجه به مفهوم گسترده سواد ارتباطی و همچنین اهمیت دوره ابتدایی و نقش به‌سزای آموزش و پرورش در پیشرفت یک جامعه، باید گفت؛ سواد ارتباطی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و نقش مهمی در سلامت روان و امنیت جامعه دارد. اغلب مطالعات انجام شده، به گروه‌های بزرگسال و حرفه‌ای مانند معلمان، مدیران، دانشجویان یا ورزشکاران پرداخته‌اند و هر یک الگویی را برای تربیت و آموزش این افراد برای تقویت و پوشش سواد ارتباطی از جنبه‌های سازمانی، شغلی و مدیریتی ارائه کرده‌اند. هیچ‌یک از آن‌ها به‌طور اختصاصی بر دانش‌آموزان دوره ابتدایی متمرکز نبوده‌اند، در حالی که این دوره، حساس‌ترین مرحله رشد مهارت‌های ارتباطی و شکل‌گیری الگوهای هیجانی و اجتماعی است. این کاستی نشان می‌دهد که پژوهش در زمینه رشد سواد ارتباطی در دوره ابتدایی هنوز نیازمند توسعه است. کودکان در این سنین در حال یادگیری مهارت‌های پایه‌ای مانند گوش دادن، درک متقابل و همدلی هستند؛ اما مدل‌های موجود عموماً برای بزرگسالان طراحی شده‌اند و تناسب سنی و شناختی لازم را ندارند. از این‌رو، اهمیت و نبود سواد ارتباطی در دوران کودکی به‌وضوح احساس می‌شود؛ زیرا اگر آموزش سواد ارتباطی، از همان سال‌های نخست تحصیل و در قالب نظام آموزشی رسمی آغاز گردد، بسیاری از چالش‌ها و مشکلات ارتباطی در سطوح فردی و اجتماعی در دوره‌های بعدی زندگی کاهش یافته یا حتی از بین خواهد رفت. بر همین اساس، پژوهشگران با درک اهمیت بنیادین این مقطع و با توجه به فقدان الگوهای متناسب با ویژگی‌های رشدی کودکان، بر آن شدند تا به بررسی و تبیین الگوی رشد سواد ارتباطی در دوره ابتدایی بپردازند؛ دوره‌ای که نقش اساسی در شکل‌گیری بنیان‌های شخصیتی، اجتماعی و ارتباطی انسان ایفا می‌کند. با توجه به اهمیت یاد شده، وجود الگویی جامع و متناسب با ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان دوره

ابتدایی به منظور رشد سواد ارتباطی آنان، ضرورتی انکارناپذیر است.
براین اساس پژوهش حاضر، برای رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره
ابتدایی، به دنبال پاسخ به سوالات زیر است؟

۱- موجبات علی رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟

۲- پدیده اصلی رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چیست؟

۳- شرایط محیطی مؤثر در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟

۴- شرایط زمینه‌ای مؤثر در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟

۵- راهبردهای مؤثر در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟

۶- پیامدها و نتایج رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چیست؟

پیشینه پژوهش

قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل توسعه سواد ارتباطی معلمان تربیت بدنی» نشان دادند که در توسعه سواد ارتباطی معلمان تربیت بدنی، راهبردهای مدیریتی، اجتماعی و شغلی نیاز می‌باشد. همچنین لازم است که عوامل زمینه‌ای شامل توسعه مسائل فردی، محیطی، ماهیتی، فناوری، آموزشی و مدیریتی ایجاد گردد. پیاده‌سازی این مدل می‌تواند پیامدهای فردی، شغلی و اجتماعی را به دنبال داشته باشد، بنابراین در راستای توسعه سواد ارتباطی معلمان تربیت بدنی پیشنهاد دادند فعالیت‌های جدی از جمله غنی‌سازی دوره‌های ضمن خدمت بر اساس سواد ارتباطی، ایجاد کرسی‌های مشورتی و همچنین ایجاد دستورالعمل‌های شغلی انجام شود.

درستی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «فرآیند شکل‌گیری سواد ارتباطی در مدارس جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که مقوله اصلی شامل آموزش سرفصل‌های کلی، آموزش و مشاهده است که به منظور طرح، تدوین و اجرای برنامه آموزش سواد ارتباطی در ایران می‌توان از آن بهره برد. در این پژوهش عوامل علی را شامل؛ «شرایط فرهنگی خانواده، کتابخوانی و قصه‌گویی در خانواده، شعرخوانی در جمع خانواده و همکلاسی‌ها، اجتناب از مواجهه با پیامدهای آموزش تک‌قطبی، سازماندهی اطلاعات، مهارت‌های روانی، معاشناسی، هیجان‌ها، نگرش‌ها، انتظارات نقش، پیام‌های غیرکلامی و کلامی، پیام‌های حضوری و غیرحضوری، پیام‌های گفتاری و نوشتاری»، عوامل ساختاری را مشمول بر؛ «خرده فرهنگ کشور- استان- شهر، نظام آموزشی، فرهنگ

خانواده، شبکه ارتباطی» و عوامل مداخله‌گر را شامل «پیچیدگی مؤلفه‌های ارتباطی، ویژگی‌های ارثی از قبیل هوش، شرایط فرهنگی خانوار، ویژگی‌های جسمی و مهارت‌های روانی» معرفی نمودند.

مرادپورتاری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر رهبری خدمتگزار بر جو نوآوری در بین دبیران تربیت بدنی استان لرستان با میانجی سواد ارتباطی» پیشنهاد کرد که دوره‌های آموزشی، برای بالا بردن آگاهی و آشنایی بیشتر دبیران تربیت بدنی با مقوله سواد ارتباطی و نوآوری برگزار شود، تا این امر در نهایت به بهبود جو نوآوری و ارتباطات صحیح و درست بینجامد.

حمیدی فر (۱۴۰۰) در بررسی و مطالعه‌های با عنوان «تحلیل سواد ارتباطی مدیران اماکن و فضاهای ورزشی در استان مازندران»، سه عامل کلیدی برای طراحی سواد ارتباطی مدیران اماکن ورزشی شامل ارتباط مبتنی بر حواس، ارتباط تخصصی و سطح ارتباطی ارائه داد. وی در هر بخش یعنی در بعد ارتباط مبتنی بر حواس، مهم‌ترین مقولات «سواد بصری، گوش دادن و لمس کردن»، و در بعد ارتباط تخصصی، مهم‌ترین مقولات «سواد گفتاری، زبان بدن و هوش هیجانی»، و مهم‌ترین مقولات در بخش سطح ارتباطی را، «ارتباط درون فردی، ارتباط بین فردی و ارتباط گروهی» شناسایی و معرفی کرد.

قاسمی و راسخ (۱۴۰۰) در نتایج پژوهشی با عنوان «روان‌سنجی پرسشنامه سواد ارتباطی در دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه پیام نور کشور» یافتند که سواد ارتباطی از طریق سه سازه «حسی، تخصصی و سطح ارتباطی» قابل اندازه‌گیری است. آنها نشان دادند که سازه حسی با پنج شاخص مهارت‌های «نگاه کردن، گوش کردن، شامه، ذائقه‌سنجی و لمس کردن» قابل‌سنجش است. سازه تخصصی با مهارت‌های پانزده‌گانه «سخن‌گفتن، نوشتن، زبان‌تنی، خواندن، کار با فناوری‌های ارتباطی، سواد بین‌فرهنگی، سواد تبلیغات، سواد حقوق شهروندی، ارتباط سازمانی، روابط عمومی، روابط بین‌الملل، هوش هیجانی، مالی، تجاری و پژوهش ارتباطی» قابل ارزیابی است و سازه سطح ارتباطی با پنج شاخص مهارت‌های ارتباطی «درون فردی، بین فردی، گروهی، جمعی و فرا فردی» قابل اندازه‌گیری است.

زارعی بیدسرخ و فرازینی (۱۴۰۰) در بررسی و مطالعه پژوهشی با عنوان «ارزیابی نقش سواد ارتباطی در توسعه متناسب ورزش بسکتبال در شهر کرمانشاه» نشان دادند که سواد ارتباطی در توسعه متناسب ورزش بسکتبال

در این شهر تأثیر داشته است. بدین معنی که هر چه میزان توانمندی افراد در ایجاد رابطه با دیگران و میزان بهره‌گیری از شیوه‌های متناسب بیشتر باشد، می‌تواند در پیشرفت حرفه ورزشی اثرگذار باشد.

شهبازی (۲۰۲۵) در مطالعه و بررسی «نقش واسطه‌ای سواد ارتباطی در رابطه بین هوش هیجانی و اضطراب کتابخانه‌ای (مطالعه موردی: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)» نشان داد که بین هوش هیجانی، مهارت‌های ارتباطی و اضطراب کتابخانه‌ای دانشجویان رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین، مهارت‌های ارتباطی نقش واسطه‌ای در کاهش اضطراب کتابخانه‌ای ایفا می‌کند.

فوربانی^۱ (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «اهمیت سواد ارتباطی در دنیای دیجیتال: آماده‌سازی عموم مردم برای مواجهه با چالش‌های فناوری در اندونزی» نشان داد که سواد ارتباطی دیجیتال، فراتر از مهارت‌های فنی، شامل تفکر انتقادی، تحلیل چندرسانه‌ای و آگاهی الگوریتمی می‌باشد. وی پیشنهاد داد آموزش و سیاست‌گذاری مناسب می‌تواند شهروندان و معلمان را برای تعامل مؤثر و اخلاقی با فناوری‌های دیجیتال توانمند سازد.

راهاردی و نوویانس^۲ (۲۰۲۵) در نتایج پژوهشی با عنوان «سواد ارتباطی در رسانه پادکست: دیدگاه برنامه‌ریزی بلاگی-اظهاری استنتاجی» نشان دادند که ارتباط الگوریتمی (نوعی ارتباط کلامی و غیرکلامی)، در پادکست‌ها، (مثل سلام و احوالپرسی، شوخی و تأیید) نقش بسیار مهمی در حفظ تعامل اجتماعی و ایجاد صمیمیت دارد. بیشترین توجه به سلام و احوالپرسی ۴۱ درصد است. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد که برای درک کامل معنای ارتباط الگوریتمی، باید ابعاد بصری، فضایی، حرکتی، شنیداری و زبانی همزمان در نظر گرفته شوند.

بویترگو سیرو و هرناندز پرز^۳ (۲۰۲۴) در نتایج پژوهشی با عنوان «راهبرد آموزشی برای سواد ارتباطی و اجتناب از شیوه‌های انتشار فریبنده» نشان دادند که این نوع راهبرد آموزشی که شامل رویکردهای آموزشی، آگاهی‌بخشی و پیشگیری است، عاملی کلیدی برای اطلاع‌رسانی و هشدار به محققان مبتدی در مورد مشکلات ارتباطی علمی و شیوه‌های انتشار فریبنده است.

1. Furbani

2. Rahardi & Noviance

3. Buitrago Ciro & Hernández Pérez

چهارچوب نظری

سواد چیست؟

سواد، اساس آگاهی‌ها و تفکر انسان است. طبق این تعریف، سواد به طیفی از توانمندی‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط با دیگران از طریق گفت‌وگو، خواندن، نوشتن و استفاده از ریاضیات تلقی می‌شود که با به کارگیری رسانه‌ها و فناوری‌های مختلف به ظهور می‌رسد و هدف آن ارتقای زندگی روزمره، مشارکت جمعی، حل مسائل بشری و توسعه ظرفیت‌های فردی و اجتماعی انسان و جامعه اوست (رومیانی و ضیائی‌ان، ۱۳۹۳). سواد برخلاف تعریف ساده آن، تنها به معنای توانایی خواندن و نوشتن نیست، بلکه مفهومی فراتر و اهدافی والاتر از آن دارد. مهارتی اساسی برای توانمندی انسان در رشد عقل، منطق، تفکر نظام‌مند و پژوهش است (فرمیهنی فراهانی و همکاران، ۱۴۰۰). در دنیای امروز داشتن سواد خواندن و نوشتن کافی نیست. کارشناسان ارتباط بر نیاز به توانایی رمزگشایی و تحلیل اطلاعات گسترده‌ای مؤکند که روزانه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در حقیقت مفهوم خواندن روزبه‌روز با یافتن ابعاد پیچیده‌تر و تازه‌تر، زمینه ظهور انواع سوادهای جدید را فراهم کرده است. اهمیت این سوادها تا جایی پیش می‌رود که نقش آنها در قدرت فرد و جامعه مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. (جانکز^۱، ۲۰۱۰)

ارتباط

ارتباط به معنی ارسال پیام‌هایی از طرق مختلف به محیط و اطراف خود می‌باشد که همیشه امری دو جانبه و به صورت تعامل است. معمولاً تحت تأثیر یک انگیزه و برای تأمین یک نیاز و گاه نیز ناخودآگاه، برقرار می‌شود. انسان با هرچه که در محیط وجود دارد، از جمله انسان‌های دیگر و همچنین با دنیای درون خود ارتباط برقرار می‌کند (جعفری، ۱۳۸۲). ارتباط فرایندی است مشترک بین همه مردم. همه ارتباطات، حتی ارتباطات کتبی، متضمن یک رفتار متقابل است. درک کردن و درک شدن دو عامل مهم و اصلی در هر ارتباط است (کول^۲، ۱۳۸۱). انسان از آغاز خلقت تا لحظه مرگ در جریان ارتباط قرار دارد. افراد معتقد به زندگی پس از مرگ نیز، به دنبال دستیابی به ارتباط‌های بالارزش‌تری در دنیای پس از مرگ هستند. هیچ یک از لحظات زندگی انسانی را

1. Janks

2. kool

نمی‌توان بدون فرآیند ارتباطی تصور کرد. در همه لحظات انسان در جریان یکی از انواع ارتباط با خود، دیگری، گروه، رسانه، امور متفاوتی مانند خدا، حیوانات، گیاهان، وسایل زندگی و امثال آن، است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹). ارتباط نقش حیاتی در زندگی هر فرد دارد. بدون ارتباط نمی‌توان احساس شخص دیگر را متوجه شد و احساس خود را به شخص دیگر بیان کرد. همچنین برای دستیابی به هر هدفی از جمله دستیابی به شغل مورد علاقه و یا پیوستن به گروه‌ها، رفع نیازها (انواع نیازها، نیاز به عبادت، نیاز به آموزش، نیاز به محبت، نیازهای مادی و ...)، سرعت بخشیدن در انجام کارها، پیشرفت علم و فناوری و... به برقراری ارتباط نیاز است. ایجاد یک ارتباط خوب و مناسب لازمه رسیدن به این اهداف می‌باشد (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۴۰۱). ارتباط موفق مستلزم آن است که افراد منظور شما را درک کنند و پاسخ آنها به نحوی باشد که جریان تبادل اطلاعات را ترجیحاً در مسیری که مد نظر شما است پیش ببرد. از بین بردن موانع یکی از اقدامات لازم در راستای برقراری ارتباط خوب است. حفظ تماس چشمی، گوش دادن به صحبت‌های طرف مقابل و تقلید تن گفتار، در برقراری یک ارتباط موفقیت‌آمیز کمک‌کننده می‌باشند (هلر^۱، ۱۳۸۳). مهم‌ترین جنبه ارتباط مؤثر، توانایی برانگیختن شور و شوق در دیگران است که منشأ آن شور و شوق خودتان، روش صحبت کردنتان، آهنگ صدایتان و زبان بدن‌تان است (دنی^۲، ۱۳۸۷). توانایی افراد در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران موجب موفقیت آنها در زندگی می‌شود. ارتباط خوب و مؤثر با دیگران می‌تواند احترام و توجه آنها را به دنبال داشته باشد، به ارزش‌های افراد در جمع بیفزاید، میل دیگران را برای کمک‌رسانی بیشتر سازد و دریچه‌های امید را به رویشان بگشاید (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۴۰۱). با توجه به آن چه که گفته شد، می‌توان اظهار کرد نیاز به سواد ارتباطی در جامعه امروزی از ضرورت‌ها است. در ادامه به بررسی سواد ارتباطی و مولفه‌های آن پرداخته شده است.

1. Heller

2. Denny

سواد ارتباطی

سواد ارتباطی بر توانایی درک و کاربرد مفاهیم ارتباطی برای انجام فعالیت‌ها و نیازهای روزمره در زندگی بشر تأکید دارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹). سواد ارتباطی از نظر یونسکو، توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران و دانستن آداب اجتماعی تعریف شده است (یونسکو، ۲۰۲۰). با مطالعه مبانی حوزه ارتباط می‌توان دامنه بسیار وسیع‌تری از سواد ارتباطی را شناسایی کرد که مانند چتری اکثر سوادهای مطرح شده در سال‌های اخیر را، پوشش می‌دهد (لوتانز، ۱۳۷۴). به عبارتی دیگر، می‌توان سواد ارتباطی را مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی دانست که فرد را قادر می‌سازد پیام‌ها را به صورت دقیق دریافت، تحلیل و تفسیر کرده و در عین حال پیام‌های مورد نظر خود را به شیوه‌ای روشن، مؤثر و متناسب با موقعیت ارسال کند.

مؤلفه‌های اصلی سواد ارتباطی

سواد ارتباطی یکی از ابعاد کلیدی توانایی‌های فردی است که فرد را قادر می‌سازد در انواع موقعیت‌های اجتماعی، سازمانی و دیجیتال، ارتباطی اثربخش، اخلاقی و هدفمند برقرار کند. به‌طور کلی، مؤلفه‌های اصلی سواد ارتباطی را می‌توان در شش محور عمده دسته‌بندی کرد:

۱- مهارت‌های دریافت و تحلیل پیام

یکی از مؤلفه‌های بنیادین سواد ارتباطی، توانایی تحلیل و تفسیر پیام‌هاست. در این مؤلفه، فرد قادر است معنای آشکار و ضمنی پیام، ساختار آن و اهداف ارتباطی فرستنده را درک کند. مک‌کوییل^۲ (۲۰۱۰) بر ضرورت تحلیل انتقادی پیام‌ها و توانایی تشخیص سوگیری‌های رسانه‌ای تأکید می‌کند. علاوه بر این، پاتر^۳ (۲۰۲۱) بر نقش تفکر انتقادی در ارزیابی اعتبار اطلاعات و تشخیص خطاهای شناختی تأکید دارد.

۲- مهارت‌های ارسال و تولید پیام

ارسال پیام روشن، منسجم و اخلاقی یکی دیگر از عناصر مهم سواد ارتباطی است. بر اساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس^۴ (۱۹۸۴)، پیام مؤثر باید شفاف، قابل فهم و متناسب با بافت ارتباطی باشد. توانایی انتخاب کانال مناسب ارتباطی، تنظیم لحن و هماهنگی زبان کلامی و غیر کلامی از عناصر این مؤلفه به‌شمار می‌روند.

1. Luthans
2. McQuail

3. Potter
4. Habermas

۳- مهارت‌های ارتباط میان فردی

مهارت‌های میان فردی شامل گوش دادن فعال، همدلی، ارائه بازخورد مؤثر و مدیریت هیجان‌هاست. راجرز^۱ (۱۹۶۱)، معتقد است گوش دادن همراه با همدلی موجب افزایش کیفیت رابطه و برقراری ارتباط سازنده می‌شود. رفتارهای غیرکلامی نیز نقش مهمی داشته و به گفته بردویستل^۲ (۱۹۷۰)، بخش قابل توجهی از پیام از طریق حرکات بدن، حالات چهره و تماس چشمی منتقل می‌شود.

۴- سواد ارتباطی دیجیتال

در عصر رسانه‌های دیجیتال، توانایی تحلیل پیام‌های آنلاین، رعایت اصول اخلاقی در فضای مجازی، حفظ حریم خصوصی و مدیریت هویت دیجیتال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یونسکو (۲۰۱۳، ۲۰۱۸) بر ضرورت تقویت مهارت‌های اخلاقی، امنیت اطلاعات و ارزیابی انتقادی محتوای رسانه‌ای تأکید می‌کند.

۵- سواد فرهنگی و بافتی

بر اساس نظریه بافت بالا و بافت پایین هال^۳ (۱۹۷۶)، افراد باید قادر باشند سبک‌های ارتباطی متفاوت در فرهنگ‌ها را درک و ارتباط خود را متناسب با آن تنظیم کنند. شناخت تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی و احترام به تنوع از عناصر کلیدی این مؤلفه است.

۶- مهارت‌های حل تعارض و گفت‌وگوی سازنده

یکی از ابعاد مهم سواد ارتباطی، توانایی مدیریت تعارض به صورت اخلاقی و گفت‌وگومحور است. هابرماس (۱۹۸۴) تأکید می‌کند که هدف ارتباط رسیدن به تفاهم است. راهبردهایی مانند مذاکره، مصالحه و میانجیگری از ابزارهای مؤثر در حل تعارض‌هاست. (استون، پاتن و هین^۴، ۱۳۹۷)

روش‌شناسی

پژوهش حاضر، از نوع کیفی و از نظر سوگیری و هدف، اکتشافی و کاربردی می‌باشد. این پژوهش، از روش نظریه داده بنیاد (گراندد تئوری)، مبتنی بر رویکرد استراوس و کوربین، طرح نظام‌مند (سیستماتیک)، استفاده کرده و به منظور تعیین عوامل و شرایط رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شده است، تا بتوان از طریق بهره‌گیری از نظرات خبرگان و متخصصین

1. Rogers

2. Birdwhistell

3. Hall

4. Stone, Patton & Heen

علوم تربیتی، روانشناسان و مشاوران حوزه کودک به الگویی برای رشد سواد ارتباطی دانش آموزان این دوره دست یافت.

محیط پژوهش شامل متخصصین و کارشناسان رشته‌های علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره، که مدرک دکترا و دانشجوی دکترا دارند و برای مدتی در حوزه کودک فعالیت داشته و آشنا به مدارس ابتدایی بوده‌اند. در پژوهش حاضر، با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری^۱، با ۲۰ تن از متخصصان و صاحب‌نظران، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام شد. بدین منظور، ابتدا پژوهشگر با مراجعه به فردی کلیدی، فرآیند مصاحبه را شروع کرد و در ادامه با معرفی نفر بعدی مصاحبه توسط مصاحبه‌شوندگان، فرآیند مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات ادامه یافت تا جایی که در مصاحبه با نفر بیستم مشاهده شد دیگر مقوله جدیدی به داده‌ها اضافه نمی‌شود و پاسخ‌های بدست آمده در تمامی مصاحبه‌ها تقریباً شبیه هم بوده و به عبارتی به سرحد اشباع خود رسیده است.

افراد منتخب این پژوهش برای مصاحبه در دامنه سنی ۲۹ تا ۵۸ بوده که از بین این افراد، مصاحبه‌شوندگان را ۱۰ مرد و ۱۰ زن تشکیل داده‌اند. از لحاظ سطح تحصیلات نیز، تعداد ۱۶ نفر مدرک دکترا و ۴ نفر دانشجوی دکترا با سابقه کاری بین ۲ تا ۴۰ سال در حوزه فعالیت خود را دارند.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	سابقه کار	حوزه تخصصی
۱	مرد	دکترای روانشناسی	۲۰	مشاور کودک و نوجوان و عضو هیئت علمی دانشگاه
۲	زن	دکترای مشاوره خانواده	۲۳	مشاور خانواده و عضو هیئت علمی دانشگاه
۳	مرد	دکترای مشاوره	۳۰	مدرس دانشگاه و مشاور تحصیلی و آموزگار اسبق دوره ابتدایی
۴	زن	دکترای روانشناسی	۱۷	مدرس دانشگاه
۵	زن	دکترای مشاوره	۸	عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور کودک و نوجوان
۶	زن	دانشجوی دکترا روانشناسی	۱۱	آموزگار دوره ابتدایی

پژوهش‌های ارتباطی،
سال سی و دوم،
شماره ۴ (پیاپی ۱۲۴)،
زمستان ۱۴۰۴

ادامه جدول ۱.

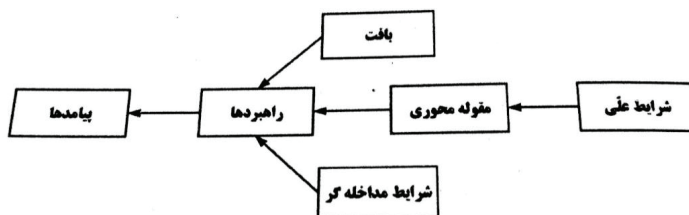
ردیف	جنسیت	تحصیلات	سابقه کار	حوزه تخصصی
۷	مرد	دکترای مشاوره	۱۸	مدرس دانشگاه و مشاور آموزشی
۸	زن	دکترای روانشناسی تربیتی	۴	مشاور کودک و نوجوان
۹	مرد	دانشجوی دکترای مشاوره	۲	مدرس دانشگاه و مشاور کودک و نوجوان
۱۰	مرد	دکترای مشاوره	۴۰	مدرس دانشگاه و مشاور تحصیلی و خانواده
۱۱	مرد	دکترای علوم تربیتی	۲۲	مشاور تربیتی دوره کودکی و نوجوانی
۱۲	مرد	دکترای روانشناسی	۱۵	مدرس دانشگاه و مشاور کودک
۱۳	مرد	دکترای روانشناسی	۱۰	مدرس دانشگاه و مشاور کودک و نوجوان
۱۴	زن	دکترای برنامه‌ریزی درسی	۲۸	مدرس دانشگاه و آموزگار دوره ابتدایی
۱۵	زن	دکترای علوم تربیتی	۱۲	مدرس دانشگاه و آموزگار دوره ابتدایی
۱۶	مرد	دانشجوی دکترای روانشناسی تربیتی	۱۲	مدرس دانشگاه، پژوهشگر و مشاور کودک و نوجوان
۱۷	مرد	دکترای روانشناسی تربیتی	۱۰	مشاور تحصیلی حوزه کودک و نوجوان
۱۸	زن	دکترای روانشناسی تربیتی	۸	مدرس دانشگاه و معاون مدرسه ابتدایی
۱۹	زن	دکترای روانشناسی	۱۰	مدرس دانشگاه و مشاور تحصیلی
۲۰	زن	دانشجوی دکترای علوم تربیتی	۱۳	مشاور تحصیلی و طراح بازی‌های دیجیتالی در حوزه کودک

به منظور سنجش روایی پژوهش، دو اقدام صورت گرفت؛ ابتدا پژوهشگر، در راستای توانمندسازی خود و افزایش دقت در نحوه طرح سؤالات، سه مصاحبه را به طور آزمایشی انجام داد و پس از تحلیل نتایج مصاحبه‌ها و مقایسه آنها با اهداف و سؤالات پژوهش، اصلاحاتی در سؤالات مصاحبه انجام شد که خود می‌تواند حاکی از بالا رفتن دقت ابزار و اعتبار پژوهش باشد. دوم با بهره‌گیری از افرادی خبره، متخصص و مسلط به پژوهش‌های کیفی، فرآیند کار در چند مرحله مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت و نظرات خود را برای اصلاح و بهبود فرآیند مطالعه و طراحی الگو، ارائه نمودند.

در پژوهش حاضر از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای بررسی و محاسبه پایایی مصاحبه‌ها، استفاده شده است. در محاسبه نتایج بررسی مصاحبه‌های کدگذاری شده در پژوهش حاضر شاخص پایایی بازآزمون ۸۵ درصد و میزان شاخص توافق درون موضوعی ۷۹ درصد به دست آمده است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود. (کوال^۱، ۱۹۹۶)

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق فرایند کدگذاری مبتنی بر طرح نظام‌مند برخاسته از داده‌ها؛ در سه مرحله، کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی و الگوی پیشنهادی استراوس و کوربین (۱۹۹۰)، شکل ۱، «موداری که در رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها به وفور مشاهده می‌شود» (صفایی موحد، ۱۴۰۰: ۷۳)، به‌طور همزمان، انجام شده است.

شکل ۱. برداشت جامعه علمی ایران از ماهیت گراندتئوری (صفایی موحد، ۱۴۰۰: ۷۳)



گزارش یافته‌ها

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال بود که الگوی رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی بر اساس نظریه داده بنیاد چیست؟ از آنجا که مناسب‌ترین روش برای این پژوهش، روش «گراندد تئوری» به شکل پارادایمی بود، پژوهشگر با استفاده از داده‌های کیفی ابتدا کدگذاری باز را انجام داد.

کدگذاری باز

در این مرحله، ابتدا داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها، پاراگراف‌بندی و سپس در جدولی مرتب شدند. برای سهولت در روند تحلیل، مطابق با روش کدگذاری باز، مفاهیمی از دل داده‌ها به صورت کد مفهومی درآمد. در نهایت ۹۶۵ کد، شناسایی و استخراج شد. در حقیقت، کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که با آن مفهوم‌ها شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند (استراوس و کوربین، ۴۰۱). در جدول ۲، نمونه‌ای از مفاهیم استخراج شده و کدهای مفهومی از مصاحبه در فرایند کدگذاری باز، آورده شده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از مفاهیم استخراج شده و کدهای مفهومی از مصاحبه

مفاهیم استخراج شده	کد مفهومی
یکی از چیزهایی که می‌تواند سواد ارتباطی دانش‌آموزان را بالا ببرد، نوع نگاه به مدرسه است. ما به وقت به مدرسه نگاه رستورانی داریم. نگاه رستورانی چیه؟ یعنی ما می‌خواهیم برویم رستورن فقط غذا بخوریم، یعنی اصالت با خوردن غذاست. به وقت شما می‌روی مهمانی احوال همدیگر را پرسید، تا زمانی که آموزش و پرورش این طوری هست که بچه‌ها بیایند کتاب‌ها را بخورند و بروند، این اتفاق نمی‌افتد، لذا اگر نگاه مدرسه‌ای این باشد که مدرسه یعنی چی؟ یعنی دورهمی‌ای که، بچه‌ها در ارتباطات انسانی با یکدیگر دارند، مهارت آموز بشوند. یعنی بفهمند همکلاسیشون مریض هست، بروند عیادتش! یا بچه‌ای که کمتر بلد هست، بقیه به او کمک کنند. یعنی جو مدرسه شدیداً یک شرایط علی هست.	۱- نوع نگاه به مدرسه ۲- مهارت آموزی ۳- ارتباطات انسانی ۴- فضای مدرسه
ولی طرف می‌آید چیکار می‌کند؟ از قبل اهداف می‌گذارد، یعنی افق هدفی‌اش این هست که، این بچه یاد بگیرد با بولینگ، با به بچه زورگو چطور رفتار کند؟ من می‌خواهم حقم را از معلم بگیرم! باید چیکار کنم؟ مثلاً به روز جای معلم و دانش‌آموز را عوض کنیم. ضعف هاشون را بگوئیم. قوت هاشون را بگوئیم. جرأت‌ورزی پایین به بالا بودن.	۵- تعیین اهداف آموزشی ۶- شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان ۷- مهارت جرأت‌ورزی
روش آموزشی؛ طرف در روش تدریسش، از روش تدریس‌های جدید ارتباط‌گرایی، کانستراکچرالیسم (سازنده‌گرایی) مثل پی‌فورسی (فلسفه برای کودکان) که یکی از مهم‌ترین فوایدش رشد ارتباطی هست، استفاده می‌کند. یعنی بچه‌ها دورهم می‌نشینند، تا معلم به سوال می‌کند و می‌گوید که جواب بدهند. بعد از یکی بچه‌ها می‌پرسه که اینجور جوابی داد؛ کیا موافقت با این جواب؛ کیا مخالفت؟ یعنی این معلم تولید علم را در گفت‌وگو می‌بیند. اکثراً در این گروه‌های پی‌فورسی چه اتفاقی می‌افتد؟ ارتباط، تعامل، نوبت‌گیری، تمرین سکوت، ... یعنی هوشیاری سواد ارتباطی را افزایش می‌دهد.	۸- سبک تدریس ۹- روش تدریس ارتباط‌گرایی ۱۰- روش تدریس سازنده‌گرایی ۱۱- چینش کلاس ۱۲- بحث و گفت‌وگو ۱۳- ارتباط و تعامل ۱۴- رعایت نوبت ۱۵- تمرین سکوت ۱۶- نظرسنجی

کدگذاری محوری

در این مرحله پژوهشگر، بعد از دستیابی به ۹۶۵ مقوله (کدهای باز) به چینش منطقی مفاهیم، حول مقوله محوری و پیرامون سوالات بر اساس چهارچوب پیشنهادی استراوس و کوربین (۱۹۹۰)، یعنی موجبات علی، شرایط محیطی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها یا راهبردهای تعاملی و پیامدهای پدیده پرداخته است، به‌طوری که تمام مفاهیم و مقوله‌ها حول محور پدیده اصلی، یعنی رشد سواد ارتباطی در ۴۸ مقوله فرعی و سپس ۱۸ مقوله اصلی شناسایی و دسته‌بندی شدند.

بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش، ۴ مؤلفه به عنوان موجبات علی یا عواملی که زمینه‌ساز و محرک اصلی پدیده‌ی مرکزی رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان هستند، شناسایی شدند که شامل موارد زیر می‌باشند:

- ۱- عوامل درون‌فردی: مهارت‌های فردی، ویژگی‌های شخصیتی، وراثت
- ۲- عوامل میان‌فردی: مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های کلامی و غیرکلامی، ارتباطات بین فردی، تعاملات اجتماعی، فرصت‌ها و تجارب یادگیری، الگوها
- ۳- عوامل سازمانی: آموزش و پرورش، آموزش، معلم، برنامه درسی، فعالیت‌های فوق برنامه، کارکنان مدرسه

۴- خانواده: روابط خانواده، سبک فرزندپروری، جمعیت خانواده

این مقولات در واقع ریشه‌های شکل‌گیری سواد ارتباطی هستند؛ یعنی عوامل روانی، خانوادگی و سازمانی که به طور مستقیم بر پدیده اثرگذارند و موجب می‌شوند رشد سواد ارتباطی در دانش‌آموزان آغاز گردد. به بیان دیگر، آنها پیش‌شرط‌ها یا نیروهای مولّد پدیده‌ی اصلی محسوب می‌شوند.

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر عواملی که به طور مستقیم بر رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان اثرگذار بوده‌اند، عواملی دیگر وجود دارند که می‌توانند شرایط علی را تحت تأثیر خود قرار دهند و موجب تغییر یا تخفیف و جانشینی آن شوند. استراوس و کوربین (۱۴۰۰)، این شرایط را مداخله‌گر می‌دانند. این شرایط، عوامل تعدیل‌کننده و تأثیرگذار غیرمستقیم بر پدیده‌اند، به این معنا که بسته به وضعیت فرهنگی، اقتصادی یا اجتماعی جامعه، فرایند رشد سواد ارتباطی ممکن است تسهیل یا تضعیف شود. برای مثال، در فرهنگی که گفت‌وگو، پرسشگری و احترام به تفاوت‌ها ارزشمند است، رشد سواد ارتباطی سرعت می‌گیرد؛ اما در محیط‌های بسته و اقتدارمحور، این رشد با محدودیت روبه‌رو می‌شود.

براین اساس، مهم‌ترین عوامل محیطی موثر در رشد سواد ارتباطی دانش آموزان از دیدگاه مصاحبه شونده‌گان، در ۵ مؤلفه معرفی شدند. این شرایط عبارتند از:

۱- محیط اجتماعی: جو خانواده (جو عاطفی خانواده، جو ارتباطی خانواده، آرامش خانواده، جو فعال خانواده و ...)، جو مدرسه (جو عاطفی مدرسه، محیط روانی مدرسه، جو مدیریتی مدرسه، جو آموزشی مدرسه، فضای مناسب مدرسه، مدارس مهارت‌محور، مدارس تحول‌خواه و ...)، همسالان، جامعه، شرایط فیزیکی، رسانه‌ها

۲- محیط فرهنگی: فرهنگ خانواده، فرهنگ مدرسه، فرهنگ جامعه

۳- عوامل اقتصادی: شرایط اقتصادی (شرایط اقتصادی خانواده، سرمایه‌گذاری دولت، تخصیص بودجه فرهنگی، سرمایه، سطح اقتصاد خانواده و ...)

۴- عوامل سیاسی: سیاست‌ها (سیاست‌های کشور، قوانین خاص کشور، توجه سیاست‌گذاران به سواد ارتباطی، سیاست‌های کلان و خرد، دولت و ...)

۵- عوامل زیست محیطی (محیط زندگی، شرایط زیستی و محیطی فرد، محل زندگی خانواده، شرایط جوی و اقلیمی، نوع منطقه زندگی و ...)

در تحلیل کدگذاری باز و محوری، ۴ مؤلفه به عنوان شرایط زمینه‌ای یا بستر لازم در راستای رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی، کشف شدند. این مقولات بستر یا زمینه عملیاتی رشد سواد ارتباطی را فراهم می‌کنند. به‌طور مثال، آگاهی و مهارت‌های ارتباطی در محیط آموزشی، فرصت تعامل در کلاس و حمایت ساختارهای سازمانی آموزشی، شرایطی را به‌وجود می‌آورند که رشد سواد ارتباطی ممکن شود. به زبان ساده‌تر، اگر موجبات علی‌الدلیل ایجاد نیاز باشند، شرایط زمینه‌ای محیط و امکانات اجرایی تحقق‌پدیده هستند. این شرایط عبارتند از:

۱- آگاهی

۲- پرورش مهارت‌ها: افزایش مهارت‌های فردی (توانایی کنترل خشم و درک احساسات، قدرت نه گفتن، توانایی حل مسئله، افزایش روحیه انعطاف‌پذیری و سازش، افزایش تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری‌های خودآگاهانه، افزایش مهارت جرأت‌ورزی و ...)، افزایش مهارت‌های بین فردی (توانایی همدلی و درک متقابل، کسب فرهنگ گفت‌وگو، توانایی برقراری ارتباط در جمع، توانایی بیان صریح و راحت در جمع، افزایش سازگاری زناشویی، رابطه مطلوب با خانواده و دیگران و ...)

۳- فرصت تعامل: فعالیت‌های گروهی، ایجاد فرصت‌های ارتباطی

۴- ارتباطات سازمانی

همچنین در این پژوهش بر اساس تحلیل نظریات مصاحبه‌شوندگان، راهبردهایی در راستای رشد سواد ارتباطی، در سه بخش مهم کشف و مشاهده گردیدند. راهبردها نشان‌دهنده کنش‌های هدفمند و عملیاتی هستند که در واکنش به پدیده اصلی و تحت تأثیر شرایط علی و محیطی، توسط نظام آموزشی، خانواده یا جامعه اتخاذ می‌شوند. در واقع، راهبردها واسطه‌ی میان شرایط و پیامدها هستند که به ترتیب شامل:

۱- راهبردهای آموزشی: آموزش مهارت‌های فردی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش مهارت‌های ارتباطی، آموزش خانواده

۲- راهبردهای سازمانی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برنامه‌های حمایتی

۳- راهبردهای اجتماعی: تقویت روابط اجتماعی

و در نهایت؛ پیامدها از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در ۲ بخش مهم شناسایی شدند که عبارتند از:

۱- توسعه فردی و اجتماعی: رشد فردی و اجتماعی، جایگاه مناسب اجتماعی، افزایش سلامت روان، بهبود کیفیت زندگی

۲- توسعه جامعه: رشد ارتباطات، رشد جامعه، کاهش آسیب‌های اجتماعی، رشد اقتصادی

وقتی راهبردها به‌درستی در زمینه و شرایط مناسب اجرا شوند، نتیجه آن افزایش سطح سواد ارتباطی، ارتقای تعاملات انسانی و رشد سرمایه اجتماعی است. به‌عبارتی، رشد سواد ارتباطی در سطح خرد به توسعه فردی و اجتماعی و در سطح کلان به توسعه جامعه منجر می‌شود.

نمونه‌ای از کدگذاری محوری در جدول ۳، نشان داده شده است.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری محوری

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم همدسته (کد مفهومی)
عوامل درون فردی	مهارت‌های فردی	- خودآگاهی ۴۱ - ابراز احساسات و هیجانات ۱۹۰ - مهارت خودکنترلی ۲۴۸ - مدیریت خشم ۲۵۰ - هیجانات و نگرش‌ها ۲۸۵ - بیان نظر بدون قضاوت و جبهه‌گیری ۲۹۲ - بیان نظر بدون قضاوت و جبهه‌گیری ۲۹۲ - ابراز وجود بهتر ۵۰۳ - انعطاف‌پذیری ۵۵۷ - بیان احساسات و تخلیه هیجانات ۹۲۸ - مهارت خودکنترلی ۹۲۹
	ویژگی‌های شخصیتی	- شخصیت فردی ۱۴۰ - تواضع و فروتنی ۴۰ - رعایت ادب و احترام ۲۹۶ - رعایت ادب و احترام ۴۳۵ - ادب و احترام ۵۲۴ - گذشت و بخشش ۵۵۵ - عذرخواهی و بخشش ۶۸۹ - شخصیت والدین ۱۲۲ - شخصیت برون‌گرا ۱۱۹ - نوع شخصیت خانواده ۴۶۳ - گرایش خانواده ۵۱۳ - خانواده برون‌گرا ۶۵۶ - نظم ۸۶۴ - صداقت ۲۰۰ - اخلاق ۲۲۷
	وراثت	- ضریب هوشی ۸۱ - ژنتیک ۸۲ - وراثت ۵۲۱ - ژنتیک ۶۷۷ - ژنتیک ۸۱۱ - هوش هیجانی بالای معلم ۲۰ - هوش هیجانی والدین ۴۷ - هوش هیجانی دانش‌آموزان ۱۰۲ - هوش هیجانی ۲۴۴

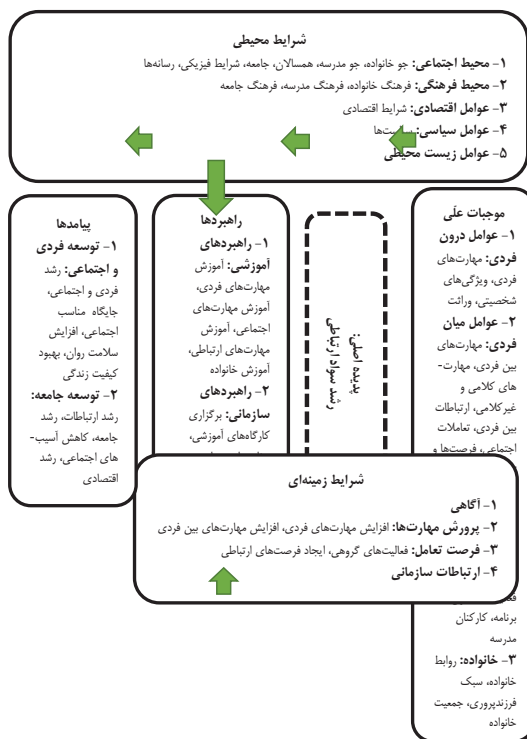
کدگذاری گزینشی

آخرین مرحله از تحلیل، کدگذاری گزینشی است. در این مرحله، پژوهشگر از میان مجموعه‌ای از ۱۸ مقوله اصلی و ۴۸ مقوله فرعی، با تمرکز بر پدیده مرکزی یعنی رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان ابتدایی، مدلی منسجم استخراج کرده است. این الگو شامل ۱۸ مقوله اصلی و ۴۸ مقوله فرعی در قالب ابعاد ششگانه مدل پارادایمی شامل موجبات علی (عوامل درون‌فردی، عوامل میان‌فردی، عوامل سازمانی، خانواده)، پدیده اصلی (رشد سواد ارتباطی)، شرایط محیطی (محیط اجتماعی، محیط فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل زیست محیطی)، شرایط زمینه‌ای (آگاهی، پرورش مهارت‌ها، فرصت تعامل، ارتباطات سازمانی)، راهبردها (راهبردهای آموزشی، راهبردهای سازمانی، راهبردهای اجتماعی) و پیامدها (توسعه فردی و اجتماعی، توسعه جامعه)، الگوی رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را نشان می‌دهد (شکل ۱). در این مدل، مقولات به‌صورت نظام‌مند به هم پیوند یافته‌اند تا فرایندی را نشان دهند که از علل ایجاد پدیده آغاز شده، با زمینه‌ها و شرایط محیطی تداوم یافته، از طریق راهبردهای آموزشی و اجتماعی اجرا می‌شود و در نهایت به پیامدهای توسعه‌ای در سطح فرد و جامعه منتهی می‌گردد.

پدیده اصلی «رشد سواد ارتباطی» است که سایر مقولات حول آن سازمان یافته‌اند. تمام متغیرها، اعم از علی، زمینه‌ای، محیطی و راهبردی، در خدمت تبیین و تقویت این پدیده هستند. رشد سواد ارتباطی نه تنها پیامد تأثیرات علی است، بلکه در تعامل مستمر با راهبردها و شرایط محیطی و زمینه‌ای شکل می‌گیرد. به عبارتی، فرایند رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان ابتدایی، یک چرخه پویا و نظام‌مند است که از علل روانی و اجتماعی آغاز می‌شود، در بستر زمینه‌ای و محیطی پرورش می‌یابد، از طریق راهبردهای آموزشی و سازمانی تقویت می‌گردد و در نهایت به توسعه فردی و اجتماعی می‌انجامد.

این مدل نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های ارتباطی در دوران ابتدایی نه یک فعالیت آموزشی ساده، بلکه بنیانی برای رشد انسانی و اجتماعی جامعه آینده است.

شکل ۱. الگوی نظری رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی



بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی انجام شد. تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، منجر به شناسایی ۹۶۵ مفهوم اولیه، ۴۸ مقوله فرعی و ۱۸ مقوله اصلی گردید که در قالب شش بُعد مدل پارادایمی شامل موجبات علی، پدیده اصلی، شرایط محیطی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها سازمان یافتند. این الگو، تبیینی جامع از چگونگی رشد سواد ارتباطی در کودکان سنین ابتدایی و تعامل میان مؤلفه‌های فردی، اجتماعی، سازمانی و فرهنگی را ارائه می‌دهد.

۱- موجبات علی رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی کدامند؟

مطابق با یافته‌ها، موجبات علی رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی شامل عوامل درون فردی (مهارت‌های فردی، ویژگی‌های شخصیتی، وراثت)،

عوامل میان فردی (مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های کلامی و غیرکلامی، ارتباطات بین فردی، تعاملات اجتماعی، فرصت‌ها و تجارب یادگیری، الگوها)، عوامل سازمانی (آموزش و پرورش، آموزش، معلم، برنامه درسی، فعالیت‌های فوق برنامه، کارکنان مدرسه) و خانواده (روابط خانواده، سبک فرزندپروری، جمعیت خانواده) می‌باشند. نتایج این یافته مبنی بر شناسایی چهار دسته از شرایط علی مؤثر بر رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان ابتدایی شامل عوامل درون فردی، میان فردی، سازمانی و خانوادگی، در بسیاری از موارد، با یافته‌های پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است. به این ترتیب که در زمینه عوامل میان فردی با نتایج پژوهش قاسمی و راسخ (۱۴۰۰)، حمیدی فر (۱۴۰۰) و جواهری قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۲) همسو است. این مطالعات نیز سواد ارتباطی را مجموعه‌ای از توانایی‌های ارتباطی در سه سطح حسی، تخصصی و بین فردی معرفی کرده‌اند که تقویت مهارت‌های کلامی و غیرکلامی در قالب آموزش‌های رسمی و ضمن خدمت را ضروری می‌دانند. به‌ویژه، نتایج حمیدی فر (۱۴۰۰) و قاسمی و راسخ (۱۴۰۰) درباره نقش سواد بصری، گفتاری، زبان بدن و ارتباط گروهی با محورهای میان فردی پژوهش حاضر مطابقت کامل دارد. در ارتباط با عوامل سازمانی، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های جواهری قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۲) و درستی و همکاران (۱۴۰۱) همخوانی دارد. آنان نیز بر نقش ساختارهای آموزشی و مدیریتی، برنامه‌های درسی و عوامل فرهنگی و نهادی در توسعه سواد ارتباطی تأکید کرده‌اند. درستی و همکاران (۱۴۰۱)، سواد ارتباطی را حاصل تعامل نظام آموزشی، فرهنگ خانواده، خرده‌فرهنگ‌های محلی و ساختار مدرسه دانسته‌اند که با نتایج این پژوهش درباره نقش عوامل سازمانی هم‌پوشانی دارد. در بخش نقش خانواده، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های درستی و همکاران (۱۴۰۱) نیز هماهنگ است؛ زیرا آنان عوامل فرهنگی خانواده، قصه‌گویی و تعاملات خانوادگی را از شرایط علی مؤثر بر شکل‌گیری سواد ارتباطی معرفی کردند. پژوهش حاضر نیز خانواده را به عنوان نخستین نهاد تربیتی و عامل مؤثر در رشد عاطفی و ارتباطی کودک شناسایی کرده است.

عوامل درون فردی شامل مهارت‌های فردی، ویژگی‌های شخصیتی و وراثت هستند. این عوامل بیانگر جنبه‌های ذاتی و اکتسابی فردی‌اند که مستقیماً بر توانایی‌های ارتباطی فرد تأثیر می‌گذارند. مهارت‌های فردی همچون خلاقیت، تفکر انتقادی، حل مسئله، تصمیم‌گیری، خودآگاهی و خودکنترلی، موجب

می‌شوند فرد بتواند در موقعیت‌های ارتباطی عملکرد مؤثری داشته باشد. ویژگی‌های شخصیتی مانند ادب، مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، انعطاف‌پذیری، اخلاق و صداقت نیز در ایجاد روابط مؤثر اجتماعی نقش دارند. از سوی دیگر، وراثت و عوامل ژنتیکی از طریق تأثیر بر هوش شناختی و هیجانی، توانایی درک و کنترل هیجانات را تقویت کرده و زمینه‌ساز رشد سواد ارتباطی می‌شوند. عوامل میان‌فردی شامل مهارت‌های بین‌فردی، مهارت‌های کلامی و غیرکلامی، ارتباطات بین‌فردی، تعاملات اجتماعی، فرصت‌های یادگیری و الگوها هستند. این عوامل بر تعامل فرد با دیگران تمرکز دارند و موجب تقویت روابط انسانی و رشد اجتماعی می‌شوند. مهارت‌های بین‌فردی مانند همدلی، گوش دادن فعال، همکاری و درک متقابل، در کنار مهارت‌های کلامی و غیرکلامی همچون سخن گفتن مؤثر، زبان بدن و ارتباط چشمی، از ارکان اساسی ارتباط مؤثر به شمار می‌روند. فرصت‌ها و تجارب یادگیری نیز از طریق مشارکت در فعالیت‌های گروهی، بحث‌های جمعی و تجارب اجتماعی، توانایی‌های ارتباطی را تقویت می‌کنند. همچنین، الگوهای رفتاری نظیر والدین، معلمان و همسالان با ایجاد نمونه‌های قابل تقلید، در رشد رفتارهای ارتباطی مؤثر هستند. بنابراین، عوامل میان‌فردی بستری را فراهم می‌آورند تا دانش‌آموزان از طریق تعامل و تجربه، مهارت‌های ارتباطی خود را در عمل توسعه دهند. دیگر مقوله‌ی مؤثر، عوامل سازمانی است که شامل نظام آموزش و پرورش، نقش معلمان، برنامه‌ی درسی، فعالیت‌های فوق‌برنامه و کارکنان مدرسه می‌شود. نظام آموزشی کشور، با رویکردها و برنامه‌ریزی‌های هدفمند خود، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان ایفا کند. معلمان به عنوان الگوی ارتباطی مؤثر، از طریق شیوه تدریس، تعامل محترمانه و تقویت روحیه مشارکت، زمینه رشد مهارت‌های ارتباطی را فراهم می‌آورند. مهارت‌های ارتباطی سبب می‌شود که ضمن برقراری ارتباط مؤثرتر با دیگران، با درک نحوه برقراری ارتباط اثربخش، پیام‌های خود را روشن، واضح و شخصی‌تر بیان کرده و با مخاطب خود ارتباط عمیق‌تری برقرار کنیم (نوحی و تاجیک‌اسماعیلی، ۱۴۰۳). همچنین باید گفت، طراحی برنامه‌های درسی و فوق‌برنامه که شامل اردوها، بازدیدها و فعالیت‌های گروهی است، باعث افزایش تعاملات اجتماعی، تقویت مهارت‌های گفت‌وگو، همدلی، جرأت‌ورزی و همکاری می‌شود. بنابراین، محیط آموزشی و عوامل سازمانی مرتبط با آن، نقش کلیدی در فراهم‌سازی بسترهای یادگیری و رشد ارتباطی ایفا می‌کنند. خانواده به

عنوان نخستین و پایدارترین نهاد تربیتی، پایه‌گذار بخش عمده‌ای از مهارت‌های ارتباطی کودکان است. روابط خانوادگی مثبت، سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و تعاملات سازنده والدین با فرزندان، موجب تقویت اعتمادبه‌نفس، احساس امنیت و خودابرازی در کودکان می‌شود. خانواده‌هایی که روابط گرم و حمایتی دارند، فرصت‌های بیشتری برای تمرین مهارت‌های کلامی، همدلی و همکاری فراهم می‌کنند. همچنین، جمعیت خانواده در صورت فراهم‌سازی فضای گفت‌وگو و مشارکت، می‌تواند به رشد توانایی‌های ارتباطی کمک کند. بدین ترتیب، خانواده از طریق ایجاد بستر عاطفی مناسب و حمایت روانی، سهم مهمی در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دارد. در مجموع، رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان ابتدایی فرایندی چندبعدی است که از تعامل میان عوامل فردی، اجتماعی، سازمانی و خانوادگی ناشی می‌شود. به بیان دیگر، سواد ارتباطی نه صرفاً یک مهارت آموزشی بلکه مجموعه‌ای از قابلیت‌های شناختی، هیجانی، اجتماعی و فرهنگی است که در تعامل میان فرد و محیط پرورش می‌یابد. توجه هم‌زمان به آموزش مهارت‌های فردی، تقویت تعاملات میان‌فردی، اصلاح ساختارهای آموزشی و تحکیم بنیان خانواده می‌تواند مسیر توسعه همه‌جانبه سواد ارتباطی در دوره‌ی ابتدایی را هموار سازد.

۲- پدیده اصلی رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چیست؟

در پاسخ به این سؤال از پژوهش، تمامی مصاحبه‌شوندگان هریک به نحوی به رشد سواد ارتباطی به عنوان پدیده اصلی پژوهش اشاره داشتند. بنابراین؛ پدیده‌ی اصلی پژوهش، «رشد سواد ارتباطی» بود که شامل توانایی گوش دادن فعال، گفت‌وگوی مؤثر، درک پیام، همدلی و خودابرازی است. این مؤلفه‌ها نشان می‌دهند که رشد مهارت‌های ارتباطی نه صرفاً یک فرآیند زبانی، بلکه فرآیندی شناختی، هیجانی و اجتماعی است که باید از سال‌های آغازین تحصیل آغاز گردد، زیرا کودکان در این دوران می‌توانند با آموزش هدفمند، مهارت‌هایی مانند گوش دادن فعال، همدلی و خودابرازی را به‌صورت پایه‌ای و پایدار یاد بگیرند. این مهارت‌ها، علاوه بر افزایش کیفیت تعاملات فردی، باعث ارتقای توانایی حل تعارض، برقراری روابط سازنده و مشارکت مؤثر در محیط‌های اجتماعی و آموزشی می‌شوند. توانایی درک پیام، تحلیل محتوای آن، مدیریت هیجانات خود و دیگران و واکنش مناسب در موقعیت‌های اجتماعی، همگی بخش‌هایی از این فرآیند جامع هستند. به عبارت دیگر، سواد ارتباطی تنها به

توانایی بیان کلمات محدود نمی‌شود، بلکه شامل درک زمینه‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، و انعطاف در پاسخ‌دهی نیز می‌شود. این بخش از نتایج با نتایج پژوهش راهاردی و نوویانس (۲۰۲۵) هماهنگی دارد، زیرا هر دو بر ماهیت چندبعدی و تعامل همزمان ابعاد مختلف سواد ارتباطی تأکید دارند، حتی اگر زمینه پژوهشی متفاوت باشد.

در نهایت، می‌توان گفت که رشد سواد ارتباطی، به عنوان یک پدیده چندبعدی، توانایی فرد را برای برقراری ارتباط مؤثر در سطوح مختلف زندگی تقویت می‌کند و زمینه‌ساز موفقیت در تعاملات اجتماعی، تحصیلی و حرفه‌ای خواهد بود. این فرآیند نیازمند آموزش هدفمند، تمرین مستمر و توجه به ابعاد شناختی، هیجانی و اجتماعی ارتباط است. (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ قاسمی و راسخ، ۱۳۹۸)

۳- شرایط محیطی مؤثر بر رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟
با توجه به یافته‌های پژوهش، عوامل محیطی مؤثر در رشد سواد ارتباطی دانش آموزان دوره ابتدایی، شامل محیط اجتماعی (جو خانواده، جو مدرسه، همسالان، جامعه، شرایط فیزیکی، رسانه‌ها)، محیط فرهنگی (فرهنگ خانواده، فرهنگ مدرسه، فرهنگ جامعه)، عوامل اقتصادی (شرایط اقتصادی)، عوامل سیاسی (سیاست‌ها) و عوامل زیست محیطی می‌باشند. نتایج مربوط به محیط اجتماعی و فرهنگی با یافته‌های جواهری قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۲) و درستی و همکاران (۱۴۰۱) مطابقت دارد؛ زیرا هر دو پژوهش بر نقش محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و نظام آموزشی در توسعه‌ی سواد ارتباطی تأکید کرده‌اند. در تبیین محیط فرهنگی، نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه درستی و همکاران (۱۴۰۱) هم‌خوان است، به این دلیل که هر دو پژوهش محیط خانواده و فرهنگ را به عنوان عامل مؤثر بر سواد ارتباطی می‌دانند، اما تفاوت در این است که پژوهش حاضر آن را به عنوان شرایط محیطی معرفی کرده، در حالی که درستی و همکاران آن را عامل علی (مستقیم) می‌دانند. هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین به‌طور مستقیم به نقش عوامل اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی در رشد سواد ارتباطی نپرداخته‌اند. در نتیجه، این بخش از یافته‌های پژوهش حاضر نوآورانه محسوب می‌شود و دلالت بر گسترش دامنه مفهومی سواد ارتباطی به حوزه‌های ساختاری و کلان‌تر دارد.

اثرات محیط بر افراد می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد (حسین‌پور و سعیدی، ۱۳۹۵). یکی از عوامل محیطی اثرگذار، محیط اجتماعی است که شامل فضای خانواده و مدرسه، گروه همسالان، جامعه، شرایط فیزیکی و رسانه‌هاست. محیط اجتماعی سالم با روابط عاطفی، روانی و ارتباطی مناسب، بستری برای پرورش مهارت‌های ارتباطی فراهم می‌سازد. خانواده و مدرسه به عنوان نخستین نهادهای اجتماعی، در ایجاد و تقویت احساس امنیت، همکاری، و ارتباط سازنده نقش دارند. رسانه‌ها نیز از طریق آموزش غیرمستقیم و الگوهای ارتباطی دیجیتال، در شکل‌گیری نگرش و رفتار ارتباطی دانش‌آموزان اثرگذارند. همچنین محیط‌های فرهنگی از جمله فرهنگ خانواده، مدرسه و جامعه در تعیین شیوه‌های ارتباط، نوع تعاملات و انتقال ارزش‌ها نقشی بنیادین دارند. خانواده با القای آداب، سنت‌ها و هنجارها، مدرسه با فرهنگ سازمانی خود و جامعه با ارزش‌های جمعی، چهارچوب ذهنی و رفتاری کودک را در ارتباط با دیگران شکل می‌دهند. شرایط اقتصادی خانواده و مدرسه می‌تواند بر کیفیت فرصت‌های ارتباطی، نوع تعاملات و تجربه‌های اجتماعی کودکان تأثیر بگذارد. در بررسی و مطالعات پیشین، نشان داده شده است که تمامی مؤلفه‌های اقتصادی بر همگرایی اقوام ایرانی نقش مؤثری دارند (دشتی و باقری‌نیا، ۱۴۰۲). لذا محیط‌های آموزشی و خانوادگی برخوردار از امکانات بهتر، فضای غنی‌تری برای تعامل و تمرین مهارت‌های ارتباطی ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر عوامل سیاسی از جمله؛ سیاست‌ها و تصمیمات نظام آموزشی و دولت، چه در سطح کلان (برنامه‌ها و قوانین آموزشی) و چه در سطح خرد (طرح‌های حمایتی و تشویقی)، می‌توانند به‌صورت غیرمستقیم بر سواد ارتباطی تأثیر بگذارند. سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه در حوزه آموزش و رسانه می‌تواند به رشد سواد ارتباطی در مدارس کمک کند. شرایط جغرافیایی، اقلیمی و مکانی نیز می‌توانند در نحوه تعاملات و ارتباطات مؤثر باشند. تفاوت‌های اقلیمی و منطقه‌ای (شهری، روستایی) ممکن است نوع ارتباطات و فرصت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را تغییر دهد. به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان فرآیندی چندوجهی است که در تعامل بین فرد و محیط شکل می‌گیرد؛ به‌ویژه، محیط‌های اجتماعی و فرهنگی غنی‌تر، بستر مناسب‌تری برای پرورش مهارت‌های ارتباطی فراهم می‌آورند.

۴- شرایط زمینه‌ای مؤثر در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟
براساس یافته‌ها، شرایط زمینه‌ای مؤثر بر رشد سواد ارتباطی شامل ۴ مقوله؛ آگاهی، پرورش مهارت‌ها (افزایش مهارت‌های فردی، افزایش مهارت‌های بین فردی)، فرصت تعامل (فعالیت‌های گروهی، ایجاد فرصت‌های ارتباطی) و ارتباطات سازمانی می‌باشند. هیچ یک از این یافته‌ها به طور مستقیم در مطالعات پیشین بررسی نشده‌اند و نوآورانه هستند. تنها بخش پرورش مهارت‌ها تا حدی با پژوهش‌های جواهری قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۲) و قاسمی و راسخ (۱۴۰۰) همسو است، اما تأکید این پژوهش بر پرورش نظام‌مند مهارت‌ها به عنوان شرط زمینه‌ای، وجه تمایز آن است.

آگاهی، پذیرش را تسهیل می‌کند (کیکول و همکاران^۱، ۲۰۰۲). یکی از عوامل اساسی در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری، آگاهی از روش‌های آموزشی مؤثر می‌باشد. آگاهی، نه تنها در ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری تأثیرگذار است بلکه باعث افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند آموزشی نیز می‌شود (میرزایی و میرزایی، ۱۴۰۱)، لذا ضرورت دارد ابتدا آگاهی لازم از اهمیت و فواید سواد ارتباطی به دانش‌آموزان، خانواده‌ها و همچنین معلمان داده شود، چراکه آنها با دانستن و آگاهی به اهمیت، کاربرد و فواید سواد ارتباطی پی برده و با درک بهتری آن را می‌پذیرند.

پرورش مهارت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. پرورش مهارت‌ها چه از طریق یادگیری و چه از طریق تجربه، ارتباطی قوی با مسائل مختلف زندگی خواهد داشت. مهارت‌های اساسی در زندگی کمک می‌کند، شخص از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار شود و او قادر خواهد بود در میان چالش‌های مختلف زندگی، از پس موانع به خوبی برآید. از مؤلفه‌های زمینه‌ای لازم برای رشد سواد ارتباطی، افزایش مهارت‌های فردی است. با افزایش مهارت‌های فردی؛ توانایی کنترل خشم، قدرت اراده و آینده‌نگری، قدرت جرأت‌ورزی و نه گفتن، قدرت تفکر انتقادی، قدرت تشخیص اطلاعات درست و توانایی تجزیه و تحلیل آنها، توانایی حل مسئله، قدرت تصمیم‌گیری، افزایش هوش هیجانی و همچنین توانایی خودکنترلی و خودآگاهی در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود. با توجه به مفهوم اصلی سواد ارتباطی؛ برای رسیدن به توانایی لازم در برقراری ارتباط با دیگران و همچنین دانستن شماری از آداب اجتماعی ضرورت دارد، مهارت‌های

بین فردی دانش‌آموزان نیز مورد توجه قرار گیرد. با افزایش مهارت‌های بین فردی قابلیت‌هایی مانند: توانایی همدلی و درک متقابل، ارتباط مؤثر و تعامل بهینه با خانواده و دیگران، فرهنگ گفت‌وگو و قدرت مذاکره، توانایی ارتباط مناسب با طبیعت، قدرت اظهار نظر در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود که همان هدف اصلی سواد ارتباطی می‌باشد، لذا با پرورش این مهارت‌ها، جنبه‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان رشد می‌یابد و به عنوان شرایط زمینه‌ساز در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان مؤثر می‌باشند.

فرصت‌ها همان موقعیت‌ها هستند که لزوماً نباید نادیده گرفته شوند. یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای مؤثر در سواد ارتباطی فرصت تعامل می‌باشد؛ فعالیت‌های گروهی نقش مهمی در توسعه مهارت‌های ارتباطی، حل مسائل، همکاری، و توانایی‌های اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند (رضایی و همکاران، ۱۴۰۲) و بستری مناسب و مؤثر برای تقویت مهارت‌های اجتماعی افراد می‌باشد. با انجام فعالیت‌های گروهی، محیطی فراهم می‌شود که دانش‌آموزان بتوانند با همکاری، تعامل و تجربه‌های مشترک، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی خود را توسعه دهند. فعالیت‌های گروهی به روش‌های مختلف همچون؛ اجرای نمایش، ایفای نقش، بازی، کتابخوانی و داستان‌خوانی در جمع، قصه‌گویی و ... باعث ارتباط و ایجاد فرصت‌های ارتباطی در بین دانش‌آموزان می‌شود که در این موقعیت‌ها دانش‌آموزان می‌توانند استعدادها و توانایی‌های کلامی و غیر کلامی خود را افزایش دهند. همچنین ارتباطات سازمانی ضمن تسهیل جریان اطلاعات و ایجاد عدالت سازمانی (کیکول و همکاران، ۲۰۰۲) به افراد کمک می‌کند تا احساسات مثبتی را از خود بروز دهند (کرمر و همکاران^۱، ۲۰۰۵). ارتباطات سازمانی، محصولی از تعاملات و روابط بین افراد در یک سازمان از جمله مدرسه است. تعاملات و روابط بین کارکنان مدرسه از جمله مدیران، معلمان، مربیان بهداشتی و پرورشی و... به عنوان زمینه‌ساز لازم برای رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان می‌باشند و نقش مهمی دارند.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی تحت تأثیر مجموعه‌ای از شرایط زمینه‌ای قرار دارد که شامل آگاهی، پرورش مهارت‌ها، فرصت تعامل و ارتباطات سازمانی است. آگاهی از اهمیت و فواید سواد ارتباطی، پیش‌نیاز پذیرش و مشارکت فعال در فرآیند یادگیری است. پرورش

1. Cremer et al.

مهارت‌های فردی و بین‌فردی، توانایی دانش‌آموزان در برقراری ارتباط مؤثر و تعامل اجتماعی را تقویت می‌کند. فرصت‌های تعامل، به ویژه از طریق فعالیت‌های گروهی، امکان تمرین مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی را فراهم می‌سازد و ارتباطات سازمانی مدرسه به عنوان الگوی تعاملی غیرمستقیم، زمینه مناسبی برای یادگیری مهارت‌های ارتباطی ایجاد می‌کند. به عبارتی رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان، نیازمند ترکیبی از آگاهی، مهارت، فرصت و محیط سازمانی حمایتی است و توجه هم‌زمان به این چهار شرط زمینه‌ای می‌تواند موجب ارتقای کیفیت ارتباطات و تعاملات دانش‌آموزان در محیط آموزشی و اجتماعی شود.

۵- راهبردهای مؤثر در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدام‌اند؟
راهبردهای آموزشی (آموزش مهارت‌های فردی، آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش مهارت‌های ارتباطی، آموزش خانواده)، راهبردهای سازمانی (برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برنامه‌های حمایتی) و راهبردهای اجتماعی (تقویت روابط اجتماعی)، راهبردهای اثرگذار در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌باشند. پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مهارت‌های فردی، اجتماعی، ارتباطی و خانواده نقش مؤثری در رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارد. این یافته با برخی از نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است. بویترگو سیرو و هرماندز پرز (۲۰۲۴) نیز بر اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی و فردی در تقویت توانایی تعامل کودکان تأکید کرده‌اند. همچنین پژوهش‌های جواهری (۱۴۰۱)، مرادپورتاری (۱۴۰۱) و حمیدی‌فر (۱۴۰۰) نشان داده‌اند که آموزش سازمانی و حمایت مالی یا تشویقی باعث افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و ارتباطی می‌شود. پژوهش‌های جواهری قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، زارعی بیدسرخ و فرازانی (۱۴۰۰) نشان دادند افزایش تعاملات اجتماعی و گسترش شبکه‌های ارتباطی، مهارت‌های ارتباطی و آداب اجتماعی کودکان را بهبود می‌بخشد.

راهبرد مجموعه اقداماتی است که برای تحقق اهداف مشخص تدوین و اجرا می‌شود (هاشمی‌زاده و زارعیان بغدادآبادی، ۱۳۹۷). در حوزه رشد سواد ارتباطی، آموزش مهارت‌های فردی مانند خودکنترلی، خودآگاهی، خودایمنی و مسئولیت‌پذیری اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا این مهارت‌ها پایه‌گذار ارتباط مؤثر و تعامل اجتماعی سازنده هستند. آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی شامل رفتارهایی است که از طریق آن‌ها افراد احساسات، نظرات و نیازهای خود را

بیان می‌کنند، روابط خود را حفظ و بهبود می‌بخشند و مسائل اجتماعی را حل می‌نمایند (مندو-لازارو و همکاران^۱، ۲۰۱۸). از این رو، آشنایی والدین با اصول تعلیم و تربیت، روان‌شناسی رشد و شیوه‌های صحیح فرزندپروری ضروری است (به‌پژوه، ۱۳۹۵). به این دلیل خانواده، نخستین و مهم‌ترین محیط یادگیری مهارت‌های ارتباطی برای فرزندان محسوب می‌شود. در صورت فقدان این آگاهی، احتمال بروز آسیب‌های فردی و اجتماعی در کودکان افزایش می‌یابد. در کنار آموزش‌های خانوادگی، راهبردهای سازمانی مانند برگزاری کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های حمایتی نقش بسزایی در تقویت سواد ارتباطی دانش‌آموزان دارند. دوره‌هایی نظیر فن بیان، تمرکز، روان‌شناسی رشد، سبک‌های فرزندپروری و مهارت‌های ارتباطی می‌توانند توانایی‌های فردی و اجتماعی را ارتقا دهند و با حمایت‌های انگیزشی، مشارکت فعال‌تری در فرآیند آموزش ایجاد کنند. افزون بر این، راهبردهای اجتماعی نیز از طریق گسترش تعاملات گروهی، حضور فعال در اجتماع و ارتباط با شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، زمینه رشد و تمرین مهارت‌های ارتباطی را فراهم می‌سازند. در مجموع، سه راهبرد آموزشی، سازمانی و اجتماعی به‌صورت مکمل عمل کرده و نقش مؤثری در ارتقای سواد ارتباطی دانش‌آموزان و دستیابی به اهداف تربیتی و اجتماعی ایفا می‌کنند.

۶- پیامدها و نتایج رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چیست؟

نتایج ناشی از رشد سواد ارتباطی در دو بخش: توسعه فردی و اجتماعی (رشد فردی و اجتماعی، جایگاه مناسب اجتماعی، افزایش سلامت روان، بهبود کیفیت زندگی) و توسعه جامعه (رشد ارتباطات، رشد جامعه، کاهش آسیب‌های اجتماعی، رشد اقتصادی) آورده شده‌اند. بخشی از نتایج پژوهش جواهری قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۲) با این بخش از یافته‌های پژوهش همخوانی دارد که پیامدهای سواد ارتباطی را از جنبه‌های فردی، شغلی و اجتماعی معرفی کردند. رشد سواد ارتباطی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی پیامدهای گسترده‌ای در سطح فردی، اجتماعی و جامعه دارد که می‌توان آن را در دو حوزه اصلی: توسعه فردی و اجتماعی و توسعه جامعه مورد بررسی قرار داد. سلامت روان یک جامعه وابستگی زیادی به بالا بودن سلامت روان کودکان دارد که غنی‌ترین سرمایه‌های آن جامعه هستند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲). در حوزه توسعه فردی و اجتماعی، سواد ارتباطی موجب ارتقای مهارت‌های فردی و بین‌فردی دانش‌آموزان می‌شود.

1. Mendo-Lázaro et al.

این مهارت‌ها شامل خودباوری، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، خودآگاهی و خودکنترلی هستند و به افراد امکان می‌دهند در تعامل با دیگران عملکرد مؤثر داشته باشند. علاوه بر این، دانش‌آموزانی که از سواد ارتباطی بالاتری برخوردارند، سلامت روان بهتری دارند و کیفیت زندگی آنها ارتقا می‌یابد. این مهارت‌ها همچنین جایگاه اجتماعی مناسب و توانایی شهروندی مسئولیت‌پذیر را در آن‌ها شکل می‌دهند و به فرد کمک می‌کنند که در خانواده و جامعه نقش مثبتی ایفاء کند. بنابراین، توسعه فردی و اجتماعی نه تنها بر زندگی شخصی دانش‌آموزان اثرگذار است، بلکه تأثیر آن به مرور بر جامعه نیز گسترش می‌یابد. افراد باسواد ارتباطی با داشتن مهارت‌های ارتباطی و اعتماد به نفس مناسب، توانایی حل مسئله، همکاری و برقراری روابط سازنده را دارند که این امر موجب افزایش رضایت‌مندی، آرامش و موفقیت فرد در زندگی می‌شود. در جوامع امروزی که تحولات فناوری و اجتماعی سریع رخ می‌دهد، دستیابی به توسعه فردی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا جامعه افرادی را می‌پذیرد و حمایت می‌کند که توانایی مدیریت روابط و تعاملات اجتماعی را دارند.

در حوزه توسعه جامعه، رشد سواد ارتباطی دانش‌آموزان به تقویت تعاملات اجتماعی و افزایش کیفیت ارتباطات در سطح جامعه می‌انجامد. دانش‌آموزان باسواد ارتباطی، قادرند پیام‌ها را درست درک و منتقل کنند، روابط دوستانه و اعتمادپذیر ایجاد نمایند و مشارکت اجتماعی بیشتری داشته باشند. این موضوع موجب پویایی و قدرت اجتماعی جامعه می‌شود و فرآیند رشد جامعه را تسریع می‌کند. علاوه بر این، سواد ارتباطی نقش مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد. دانش‌آموزانی که توانایی‌های ارتباطی بالایی دارند، کمتر در معرض رفتارهای پرخطر و مشکلات روانی و اجتماعی قرار می‌گیرند. رشد ارتباطات مؤثر همچنین به رشد اقتصادی جامعه کمک می‌کند، زیرا با ارتقای مهارت‌های حل مسئله و همکاری، فرصت‌های شغلی بهتر، رضایت مشتری و خدمات‌رسانی بهینه فراهم می‌شود. این فرآیند به شکل‌گیری جامعه‌ای توسعه یافته منجر می‌شود که در آن روابط خانوادگی پایدارتر، میزان طلاق کمتر و سلامت روانی و اجتماعی افراد بهبود یافته است. به عبارت دیگر، سواد ارتباطی نه تنها مهارت‌های فردی و اجتماعی را تقویت می‌کند، بلکه زمینه‌ساز پیشرفت جامعه و رشد اقتصادی می‌باشد. در نتیجه، بر اساس الگوی ارائه شده رشد سواد ارتباطی پدیده‌ای چندبعدی و پویا است که در تعامل بین عوامل فردی،

خانوادگی، آموزشی و محیطی شکل می‌گیرد. این پژوهش با ارائه مدل بومی برای دوره ابتدایی، شکاف موجود در مطالعات پیشین را در زمینه‌ی آموزش سواد ارتباطی کودکان ایرانی تاحدی پر کرده است.

از محدودیت‌های این پژوهش، نبود امکان برگزاری مصاحبه‌های جمعی برای گردآوری داده‌های دقیق‌تر و دسترسی نداشتن به برخی از افراد جامعه پژوهش و در نتیجه انجام مصاحبه از راه دور و به‌صورت مجازی بود. باتوجه‌به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود؛ برنامه‌ریزان آموزشی، مهارت‌های ارتباطی را به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی در برنامه‌های درسی ابتدایی ادغام کرده و از آموزش مبتنی بر تعامل، تجربه و گفت‌وگو استفاده نمایند. برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی سواد ارتباطی و مهارت‌های اجتماعی آموزگاران مدارس دوره ابتدایی توسط وزارت آموزش و پرورش برنامه‌ریزی شود. همچنین جلسات توجیهی آموزشی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری برای والدین برگزار گردد.

منابع

- استراوس، انسلم و کوربین، جولیت ام. (۱۴۰۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (چاپ نهم) (ترجمه ابراهیم افشار)، تهران: نشر نی.
- استون، داگلاس، پاتن، بروس، و هین، شیلا. (۱۳۹۷). گفت‌وگوهای دشوار. (ترجمه مهدی قراچه‌داغی). تهران: نشر نی.
- به‌پژوه، احمد. (۱۳۹۵). اصول برقراری رابطه‌ی انسانی با کودک و نوجوان (با تجدید نظر و اضافات). چاپ دهم، تهران: نشر دانژه.
- جعفری، شریفه. (۱۳۸۲). ارتباط (روش گفت‌وگو در قرآن). تهران: جامعه نو.
- جواهری قاسم‌پور، زهرا، قاسمی، حمید، و راسخ، نازنین. (۱۴۰۲). طراحی مدل توسعه‌ی سواد ارتباطی معلمان تربیت بدنی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۱(۳۱): ۳۰۰-۲۶۹. حسین‌پور، احسان، و سعیدی، شیما. (۱۳۹۵). تأثیر روانشناسی محیط بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی. سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، برلین.
- حمیدی‌فر، محمدرضا. (۱۴۰۰). تحلیل سواد ارتباطی مدیران اماکن و فضاهای ورزشی در استان مازندران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مازندران، موسسه آموزش عالی ادیب.

درستی، حسن، رنج دوست، شهرام، و ایمان زاده، علی. (۱۴۰۱). فرآیند شکل گیری سواد ارتباطی در مدارس جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، ۱(۱۰۹): ۱۶۹-۱۳۱.

دستی، فرزانه، و باقری نیا، حدیث. (۱۴۰۲). نقش عوامل اقتصادی مؤثر بر افزایش همگرایی اقوام ایرانی. فصلنامه مطالعات ملی، ۲۴(۴): ۹۷-۱۱۴.

دنی، ریچارد. (۱۳۸۷). ارتباط مؤثر برقرار کنید تا موفق باشید. (ترجمه فروزنده شهبازلو)، چاپ اول، ویرایش محمدرضا هراتی، تهران: انتشارات به تدبیر رضایی، عرفان، طاهری، رامین، و راهبر، مهروز. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر فعالیت های گروهی بر یادگیری و همکاری بین دانش آموزان. اولین کنفرانس بین المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزشی، تهران.

رومیانی، فاطمه، و ضیائی، فاطمه. (۱۳۹۳). تأثیر سواد فرهنگی بر روی جامعه مبتنی بر دانایی، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی، مرودشت.

زارعی بیدسرخ، علی، و فرازبانی، فاتح. (۱۴۰۰). ارزیابی نقش سواد ارتباطی در توسعه متناسب ورزش بسکتبال در شهر کرمانشاه. سومین کنفرانس ملی ارتباطات ورزشی: سواد ارتباطی و سواد رسانه ای در ورزش، شیراز. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۴۰۱). ارتباط مؤثر. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران «سهامی خاص».

صفای موحد، سعید. (۱۴۰۰). گراند تئوری (نظریه داده بنیاد): مبانی نظری، رویکردها و رویه های اجرایی. تهران: دوران.

عباس زاده، مهدی، اوجاقی آرباطان، زینب، نصیری، امین و مجیدی، علیرضا. (۱۴۰۲). روانشناسی سلامت. شانزدهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.

فرمehینی فراهانی، محسن، بخشی، حامد، و صباغ اسماعیلی، رعنا. (۱۴۰۰). سواد فرهنگی. چاپ اول، تهران: آوای نور.

فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۷۹). ارتباطات انسانی. چاپ چهارم، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

قاسمی، حمید، و راسخ، نازنین. (۱۴۰۰). روان‌سنجی پرسشنامه سواد ارتباطی در دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه پیام نور کشور. *مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی*، ۱۱(۱): ۳۰-۱۵.

قاسمی، حمید، و راسخ، نازنین. (۱۳۹۸). شناسایی ابعاد سواد ارتباطی با رویکرد تحلیل مضمون، *فصلنامه سواد سلامت*، ۴(۴): ۲۹-۱۸.

قاسمی، حمید، راسخ، نازنین، و ایزدپرست، لیلا. (۱۳۹۹). سواد ارتباطی. تهران: اندیشه آرا.

کول، کریس. (۱۳۸۱). کلید طلایی ارتباطات. (ترجمه محمدرضا آل‌یاسین (۱۳۷۶))، تهران: هامون.

لوتانز، فرد. (۱۳۷۴). رفتار سازمانی. (ترجمه غلامعلی سرمد)، تهران: مؤسسه بانکداری ایران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

مرادپورتاری، اکرم. (۱۴۰۱). تاثیر رهبری خدمتگزار بر جو نوآوری در بین دبیران تربیت بدنی استان لرستان با میانجی سواد ارتباطی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.

میرزایی، زیبا، و میرزایی، رضا. (۱۴۰۱). اهمیت آگاهی معلمان از روش‌های آموزش در نظام آموزش و پرورش، پنجمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.

نوحی، سعید، و تاجیک‌اسماعیلی، سمیه. (۱۴۰۳). مطالعه نقش وضعیت کلی مهارت‌های ارتباطی در برند شخصی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران. *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۳۱(۴): ۲۲۲-۱۷۹.

هاشمی‌زاده، علی، و زارعیان بغدادآبادی، فائزه. (۱۳۹۷). به کارگیری مدل آبشار راهبرد در تدوین برنامه نظام آموزشی (مطالعه موردی: سند ملی تحول و پیشرفت نظام آموزشی چین ۲۰۲۰). همایش جامعه علمی ایرانیان مقیم چین، بررسی فرایندها و دستاوردهای توسعه در چین.

هلمر، رابرت. (۱۳۸۳). ارتباط مؤثر. (ترجمه سعیدعلی میرزایی (چاپ دوم))، تهران: سارگل.

Bandura, A. (2016). Social Cognitive Theory of Mass Communication. Media Effects: Routledgep.

Birdwhistell, R. (1970). Kinesics And Context: Essays on Body Motion Communication. University of Pennsylvania Press.

Buitrago Ciro, J., & Hernández Pérez, J. (2024). Pedagogical Strategy for Scholarly Communication Literacy and Avoiding Deceptive Publishing Practices. *Journal of Librarianship and Information Science*, 56(4)1039–1028 :.

Cremer, D., Stinglhamber, F., & Eisenberger, R. (2005), Effects of Own Versus Other's Fair Treatment on Positive Emotions: A Field Study. *The Journal of Social Psychology*, 145(6): 741-744.

Furbani. W. (2025). The Importance of Communication Literacy in The Digital World: Preparing the Public to Face Technological Challenges in Indonesia. *MSJ: Majority Science Journal*, 3(4).163-176 :

Habermas, J. (1984). The theory of Communicative Action (Vol. 1). Boston, MA: Beacon Press.

Hall, E. T. (1976). Beyond culture. New York, NY: Anchor Books.

Janks, H. (2010). Literacy and Power. Pub: Routledge.

Kickul, J., Lester, S.W., & Finkl, J. (2002), Promise breaking during radical organizational change: do justice interventions make a difference? *Journal of Organizational Behavior*, (23): 469-88.

Kvale, S. (1996). Intetviews: An Introduction To Qualitative Research Interviewing. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Mc Quail, D. (2010). McQuail's mass communication theory (6th ed.). Sage.

Mendo-Lázaro, S., León-del-Barco, B., Felipe-Castaño, E., Polo-del-Río, M. I., & Iglesias-Gallego, D. (2018). Cooperative Team Learning and The Development of Social Skills in Higher Education: The Variables Involved. *Frontiers in Psychology*, (9): 1536.

Potter, W. J. (2021). Media literacy (10th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

Rahardi, R. K., & Noviance, K. M. (2025). Communication Literacy in Podcast Media: An Inferential- Ostentive Discursive Pragmatics Perspective. *BAHA STRA*, 45(1): 91–102.

Rogers, C. (1961). On becoming a person: A therapist's view of psychotherapy. Houghton Mifflin.

Shahbazi, R. (2025). The Mediating Role of Communication Literacy in the Relationship Between Emotional Intelligence and Library Anxiety (Case study: Azarbaijan Shahid Madani University). *Library and Information Science Research*, 15(2): 125–146.

UNESCO. (2020). United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, Place de Fontenot.

UNESCO. (2018). Media and information Literacy: Policy and Strategy Guidelines.

UNESCO. (2013). Global Media and Information Literacy Assessment Framework.

Vafaei Najar, A., Tehrani, H., Imamian, H., Mohades Hakak, H., & Vahedian-Shahroodi, M. (2017). Impact of Establishing a Communication Network of Family Physicians on Level of HbA1c and FBS In Patients with Diabetes: A Randomized Clinical Trial. *Iranian Red Crescent Medical Journal*, 19(11): 123-150.